

چگونگی شهادت اعضا و جوارح بر اعمال انسان از منظر آیات

رقیه قهرمانی^۱

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی چگونگی شهادت اعضا و جوارح بر اعمال انسان از منظر آیات و می‌باشد. در آیات و روایات زیادی سخن از زنده شدن انسان‌ها در قیامت و حسابرسی و محاکمه آنان به میان آمده است که برخی از آیات و روایات به تشریح چگونگی این محاکمه پرداخته‌اند. یکی از مواردی که در این راستا می‌توان به آن اشاره کرد، شهادت و گواهی شاهدان و گواهانی خواهد بود که علیه انسان در آن روز شهادت می‌دهند. در آیات و روایات زیادی در خصوص مساله شهادت اشاره شده است که اعضا و جوارح انسان در روز قیامت به ضرر یا نفع انسان شهادت می‌دهند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که آیات و روایات بسیاری بر حشر موجودات در قیامت و شهادت آنها دلالت می‌کند. این موضوع جز با تحمل عالمانه و آگاهانه رویدادهای این جهان، ارزش ندارد. از این رو «شهادت» موجودات، نشان‌دهنده شعور آنهاست. همچنین ضبط اعمال توسط اشیای جامد و جوارح آدمی و گواهی و شهادت ناطقانه آنها به رفتار و گفتار انسان در روز قیامت، از وجود ارتباط میان موجودات مختلف حکایت می‌کند. اعضای بدن انسان یکی از گواهانی است که در آیات متعدد قرآن کریم و نیز در روایات فراوان از معصومین علیهم السلام به آن اشاره شده است. چون شهادت گواهی دادن علیه دیگری است، پس معلوم می‌شود جوهر و شخصیت انسان غیر از اعضای اوست که علیه او شهادت می‌دهند، زیرا شاهد و مشهود باید از هم جدا باشند.

کلید واژه: اعضا و جوارح، اعمال انسان، شهادت.

^۱ طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) نمین. ghahremani678@gmail.com

(۱) مقدمه

یکی از اعتقادات مسلم مسلمانان و سایر ادیان الهی، معاد و زنده شدن خلایق و حسابرسی اعمال است. یکی از مراحل حسابرسی اعمال آدمی، حضور گواهانی است که در دنیا شاهد اعمال وی بوده اند و در دادگاه عدل الهی به آنچه آدمی انجام داده است، شهادت خواهند داد. در آیات و روایات زیادی سخن از زنده شدن انسان‌ها در قیامت و حسابرسی و محاکمه آنان به میان آمده است که برخی از آیات و روایات به تشریح چگونگی این محاکمه پرداخته‌اند. یکی از مواردی که در این راستا می‌توان به آن اشاره کرد، شهادت و گواهی شاهدان و گواهانی خواهد بود که علیه انسان در آن روز شهادت می‌دهند.

موضوع شهادت همچنان که مرحوم علامه در المیزان بیان نموده از موضوعات مشکل و پیچیده قرآنی است.^۱ شهادت در قرآن کریم با معیار گواهان و شاهدان همچنان که مفسرین اشاره نموده اند به چند دسته قابل تقسیم است و یا به عبارت دیگر اشهاد را می‌توان این گروه‌ها دانست:

اول، «ملائکه ای که مامور ثبت و ضبط اعمالند».^۲ دوم، «انبیاء، خداوند از قول عیسی نقل می‌کند»^۳ سوم، شهادت امت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بصورت ویژه.^۴ چهارم گواهی جوارح و اعضاء انسان.^۵ که برخی دیگر از مفسران زمین و زمان را نیز طبق آیات و روایات به این موارد افزوده‌اند.^۶ پس شهادت بر اعمال که از کلام خدای تعالی بر می‌آید، مختص به شهیدان از مردم نیست، بلکه هر کسی و هر چیزی که کمترین ارتباطی با اعمال مردم دارد، او نیز در همان اعمال شهادت دارد، مانند ملائکه و زمان و مکان و دین و جوارح بدن و حواس و قلب که همگی اینها شاهد بر مردم هستند.^۷

^۱ طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۳۲۲

^۲ انفطار: ۱۰-۱۲ «ما يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» وَإِنْ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

^۳ مائده: ۱۱۷ و «كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»

^۴ بقره: ۱۴۳ «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرُّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»

^۵ نور: ۲۴ «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ» يس: ۶۵ «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ»

^۶ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۴۰

^۷ طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۴۸۵

از آیات و روایات زیادی استفاده می‌شود که اعضا و جوارح انسان در روز قیامت به ضرر یا نفع انسان شهادت می‌دهند. از مجموع این آیات و روایات استنباط می‌شود که این شهادت دادن اختصاص به اعضا و جوارح دارای روح حیوانی نبوده است، بلکه حتی اعضا و جوارحی؛ مانند مو، ناخن، دندان و... نیز که دارای روح حیوانی نبوده می‌توانند بر ضرر یا نفع انسان شهادت دهند، حتی بالاتر از آن، دیگر اشیای عالم غیر از اعضا و جوارح انسان اعم از جمادات، نباتات، حیوانات و حتی زمان نیز در روز قیامت بر ضرر یا به نفع انسان شهادت خواهند داد. در خصوص پیشینه تحقیق، محققانی کم و بیش به این موضوع پرداخته اند از قبیل پسرکلو و محمدی مهر، (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «گواهان رستاخیز از منظر آیات قرآن کریم بیان می‌دارند که اعتقاد به معاد و روز قیامت در ادیان الهی، از مهم ترین مولفه های اعتقادی است. از جایگاه های قابل توجه روز قیامت، حسابرسی اعمال بندگان است که در آن به اعمال آن ها رسیدگی می شود. عابدینی، (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «شاهدان در قیامت بیان می‌دارد که شاید گواهی اعضا به خاطر آن باشد که این مجرمان هنگامی که به آنها گفته می‌شود کیفر شما را در برابر اعمالی که انجام دادید دوزخ است به انکار برمی‌خیزند به گمان این که دادگاه آنجا نیز قابل انکار است. در آن هنگام گواهی اعضا شروع می‌شود و تعجب و وحشت سراسر وجود او را فرا می‌گیرد و تمام راه های فرار بر او بسته می‌شود. عظیمی، (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «شعور موجودات در قرآن و روایات بیان می‌دارد که قرآن و حدیث، بر حشر موجودات در روز قیامت و گواهی و شهادت آنها تصریح می‌کند. نورالهی و شاکر اشتیجه (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «قرآن، مساله شهادت شاهدان و هدایت برگزیدگان بیان می‌دارند که از مساله شهادت، چگونگی و آثار شهادت گروهی از برگزیدگان از انسانها در قرآن برداشت های مختلفی صورت گرفته است که عمده دیدگاه ها معطوف به ثمر بخشی شهادت انبیاء و اوصیاء در آخرت و صحنه قیامت می‌باشد. با توجه به مطالب ذکر شده ضرورت دارد تا در تحقیقی ضمن شناخت شاهدان روز قیامت به چگونگی شهادت اعضا و جوارح پرداخته شود تا از بررسی این مقوله بتوان به درک بهتر و عمیق تر روز قیامت رسید و همچنین از آثار و کارکردهای اعتقاد به شهادت موجودات که همانا بهداشت روح و جسم انسان ها و دوری از گناهان است بهره برد. لذا هدف از این تحقیق بررسی چگونگی شهادت اعضا و جوارح بر اعمال انسان از منظر آیات می‌باشد.

۲) شاهدان روز قیامت

شاهدان روز قیامت در یک تقسیم بندی به شهود بیرونی و درونی تقسیم می شوند؛ شهود بیرونی که بیرون از وجود خود انسانند، عبارتند از: خداوند متعال، پیامبران، اولیای الهی، فرشتگان الهی، نامه اعمال، زمین و زمان و شهود درونی که در وجود خود انسان هستند، اعضا و جوارح انسانند. البته شاهد دیگری بر اعمال انسان وجود دارد که از سنخ دو قسم مذکور نیست و آن تجسم یافتن حقیقت اعمال انسان است.^۱ که در ادامه توضیح هر کدام بیان می شود :

الف) خداوند متعال

در روز رستاخیز خداوند خود در راس گواهان قرار دارد، زیرا تمامی ویژگیهای لازم برای شهادت در ذات پاک الهی به صورت کامل و بدون نقص وجود دارد: «بازگشتشان به سوی ماست سپس خداوند گواه است بر آنچه آنها انجام می دادند.»^۲ چگونگی گواهی خداوند یا بدین صورت است که گواهی خود را از طریق الهام به فرشتگان مامور حساب بیان می کند و یا اینکه اعضای پیکر انسان را به سخن درمی آورد تا آنچه را انجام داده اند، بازگو کنند.^۳

ب) پیامبران

یکی دیگر از شاهدان اعمال در روز قیامت، پیامبران نسبت به امتهای خود، و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) نسبت به سایر پیامبران است:

«بیاد آورید روزی را که از هر امتی گواهی از خودشان بر آنها معبوث می کنیم، و تو را گواه آنها قرار می دهیم.»^۴

^۱ سبحانی، الاهیات، ج ۴، ص ۲۵۵

^۲ یونس: ۴۶ « فَأَلَيْنَا مَرْجِعَهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ »

^۳ مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۶، ص ۱۵۰

^۴ نحل: ۸۹ « وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ »

البته در این آیه این نکته با صراحت ذکر نشده که گواهی هر امتی پیامبر آنها است، ولی از این رو که شاهدان روز قیامت باید بر ظاهر و باطن اعمال و آنچه در دل انسان خطور می‌کند، بطور کامل آگاه باشند و نیز از هر گونه خطا و اشتباه هنگام تحمل اعمال و دروغ و خیانت هنگام ادای شهادت، به دور باشند، مصداق «شهید» در آیه فوق پیامبر هر امتی خواهد بود، زیرا اوست که این دو ویژگی را داراست.^۱ همچنین در این آیه، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به عنوان شاهد انبیای گذشته معرفی شده است. در اینکه شهادت انبیا بر امتها یا شهادت پیامبر اکرم بر انبیا چگونه خواهد بود با اینکه معنای شهود، آگاهی توأم با حضور است، و هر یک از انبیا و همچنین شخص پیامبر اسلام در یک محدوده خاص زمانی امت خود بوده‌اند، ممکن است از این جهت باشد که روح آنها در عالم برزخ نیز ناظر احوال امت هاست، و در مورد پیامبر اکرم نیز ممکن است حضور روح مقدسش در طول تاریخ بشریت سبب این آگاهی و حضور بوده باشد، چنانچه در روایات آمده است که اولین مخلوق خدا نور پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) بود.^۲

ج) اولیای الهی

علاوه بر شهود یاد شده، در میان امت اسلامی امامان معصوم (علیه‌السلام) نیز گواه بر اعمال‌اند:

و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید.^۳

هر چند آیه بالا بر حسب ظاهر، تمام افراد امت را مخاطب قرار داده است، ولی با توجه به اینکه شاهدان اعمال در آخرت، باید بر باطن و حقیقت اعمال مانند ایمان، کفر، نفاق، اخلاص، ریا و ... شهادت دهند و این خصوصیت در انسانهای عادی یافت نمی‌شود، لذا منظور از «امت» برترین افراد امت‌اند که همان امامان معصوم می‌باشند و اطلاق «امت» بر آنان از آن روست که از میان امت اسلامی برخاسته‌اند.^۴ روایات متعددی در تایید این سخن وجود دارد که برای نمونه در روایتی امام باقر (علیه‌السلام) در تفسیر آیه یاد شده فرمودند:

^۱ سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ص ۲۵۶

^۲ مکارم شیرازی، پیام قرآن، ص ۱۵۱

^۳ بقره: ۱۴۳ «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»

^۴ سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، ص ۲۹۲

امام (علیه السلام) پاسخ دادند: «نه، بلکه در مکان‌های مختلف به جا بیاورد؛ زیرا آن مکان در روز قیامت به سود او شهادت خواهد داد.»^۱

این روایات، به روشنی نشان می‌دهد که موجودات، گونه‌ای از شعور، درک و علم را دارند و به واسطه همان، می‌توانند در قیامت شهادت دهند. در این روایات، نشانه‌ای تأویلی بودن آیات قرآن و مجاز مشاهده نمی‌شود.^۲

ج) کیفیت سخن گفتن و شهادت اعضا و جوارح

در چگونگی شهادت اعضا و جوارح انسان در روز قیامت، سه دیدگاه وجود دارد:

۱- خدای متعال، به اعضا و جوارح، دهان و زبان می‌دهد و آنان را به سخن درمی‌آورد و وادار می‌نماید که بر ضرر صاحبانشان شهادت دهند.^۳

۲- در آنها ایجاد کلام می‌نماید همان‌گونه که برای حضرت موسی (علیه السلام) درخت را به صدا درآورد.

۳- حالات و علاماتی در اعضا و جوارح، پدیدار می‌گردد که دلالت بر کردار و رفتار هر یک از آنها در دنیا دارد. به عبارت دیگر؛ از زبان حال اعضا و جوارح، اعمال آنها فهمیده می‌شود؛ مانند هیجان، تپش قلب و رنگ پریدگی شخص که دلالت بر ترس و وحشت دارد. یا مثل خستگی و چرت زدن که آنرا علامت شب بیداری می‌دانیم و به شخص می‌گوییم؛ چشم تو شهادت می‌دهد بر این که تو شب بیدار بوده‌ای.^۴

در این که آیا تمام اعضای بدن و تمام اشیای عالم سخن گفته و علیه انسان شهادت می‌دهند، یا این سخن گفتن و شهادت اختصاص به موجودات زنده‌ای دارد که صلاحیت سخن گفتن دارند، بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد:

^۱ همان، ج ۳، ص ۴۵۵

^۲ مظاهری، معاد سرنوشت جاودانه انسان، ص ۶۴

^۳ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۳۷،

^۴ کاشانی، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۸، ص ۱۸۱

برخی گفته‌اند: «اگر نطق در آیه را به معنای حقیقی و سخن گفتن تفسیر کنیم، شهادت در قیامت، اختصاص به چیزهایی دارد که صلاحیت و قابلیت سخن گفتن داشته باشند، و اگر نطق را به دلالت حال تفسیر کنیم، در این صورت عام بوده و شامل تمام موجودات ممکن می‌شود^۱ گروهی نیز گفته‌اند: «كُلُّ شَيْءٍ» در آیه دلالت بر عموم می‌کند و شامل تمام اشیای عالم اعم از جماد، نبات، حیوان و... می‌شود همان گونه که تمام اشیای عالم اعم از جماد، نبات، حیوان و...، تسبیح‌گوی پروردگار متعال می‌باشند^۲ بنابراین، نطق را چه به معنای سخن گفتن تفسیر کنیم یا به دلالت حال، این شهادت دادن عمومیت داشته و شامل تمام موجودات حتی جمادات نیز می‌شود و همه می‌توانند علیه انسان شهادت و گواهی دهند.^۳

گفتنی است؛ حتی اگر به هر دلیلی عمومیت «أَنْطَقَ كُلُّ شَيْءٍ» در این آیه را نیز نپذیریم باز هم با عنایت به آیات و روایاتی که دلالت بر شهادت زمین و زمان در روز قیامت دارند استنباط می‌شود که شهادت در قیامت، اختصاص به موجودات زنده ندارد. علاوه بر این؛ حتی روایات خاصه‌ای داریم که تصریح بر شهادت مو و مژه چشم در روز قیامت دارند و ما به عنوان نمونه به دو مورد اشاره می‌کنیم:

در روایتی آمده است: «در روز عرض اکبر، شخصی را به حساب‌گاه حاضر سازند که در دنیا به حسب ظاهر، عمل‌های خوب کرده باشد و عمل‌های او را به جناب احدیت عرض کنند، حضرت باری «عزّ اسمه»، هر یک از عمل‌های او را به عیبی و قصوری معیوب کند و آن شخص مأمور شود به دخول جهنّم، یک موی از مژه چشم او، بعد از طلب اذن عرض کند که: خدایا! این شخص در شبی از شب‌ها، یاد تقصیرات خود کرده، رقت نمود و در چشم او اشک بهم رسید، به قدر آن که من تر شدم، خداوند عالم به عزّت آن اشک، او را می‌آمرزد و از جهنّم نجات می‌دهد.»^۴

در روایت دیگری نیز نقل شده است: «کسی که سوره‌های "الشَّمْسُ"، "اللَّيْلُ"، "الضُّحَى" و "الشرح" را در شب یا روز، بسیار تلاوت کند، هیچ چیزی در پیرامون او نمی‌ماند، مگر آن که در روز

^۱ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۳۸۰

^۲ اسراء: ۴۴

^۳ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۳۸۰

^۴ شهید ثانی، شرح مصباح الشریعة ص ۵۵

قیامت برای او [به نیکی و نیکوکاری] شهادت می‌دهد، حتی مو و پوست و گوشت و خون و رگ‌ها و اعصاب و استخوان‌های او و هر آنچه را که زمین [از اعضای او] بر پشت خود می‌کشد.^۱

نتیجه‌گیری

آیات و روایات بسیاری بر حشر موجودات در قیامت و شهادت آنها دلالت می‌کند. این موضوع جز با تحمّل عالمنه و آگاهانه رویدادهای این جهان، ارزش ندارد. از این رو «شهادت» موجودات، نشان‌دهنده شعور آنهاست. همچنین ضبط اعمال توسط اشیای جامد و جوارح آدمی و گواهی و شهادت ناطقانه آنها به رفتار و گفتار انسان در روز قیامت، از وجود ارتباط میان موجودات مختلف حکایت می‌کند. گریه آسمان‌ها و زمین، ترس و اشفاق موجودات، میل و رغبت اشیاء، اقرار و اعتراف آنها همگی نشان‌دهنده شعور و جان‌مندی است. باور به چنین شعوری، آثار تربیتی، بهداشتی و حقوقی در زندگی انسان داشته و می‌تواند زمینه را برای رشد دانش نیز فراهم کند.

یکی از بحث‌های مطرح در دادگاه عدل الهی، بحث گواهی اعضای بدن انسان است. آیات قرآن نشانگر آن است که خداوند به اعضای تن و حتی به پوست بدن توانایی و شعور می‌دهد تا به سخن درآیند و هر عضوی هر کاری را انجام داده بازگو کند. گوش آنچه را شنیده و چشم آنچه را دیده، پوست آنچه را لمس کرده، زبان آنچه را گفته، دست آنچه را انجام داده و پا راهی را که رفته است و این شش عضو هر کدام اعتراف به اعمالی که انجام داده اند می‌کنند.

اینکه بعضی از مفسران گفته اند: بعضی از این اعضاء مانند زبان گواهی بر تمام اعمال آدمی می‌دهد نه فقط بر اعمال خودش، تناسبی با ظاهر آیات ندارد و از اینجا روشن می‌شود که اگر نام بعضی از اعضاء در این آیات نیامده (مانند قلب و مغز و لبها و دندانها و امثال آن، نسبت به نیتها و غذاها و گفتارها) به معنای این نیست که گواهی مخصوص به این شش عضو است؛ بلکه ظاهراً هر عضوی اعمال خود را بازگو می‌کند و چه شاهد صادقی بهتر از آنها. روشن است که این شهادت، شهادت اعضاء است، هر چند به قدرت خدا انجام یافته، نه مستقیماً شهادت خداوند، آن گونه که

^۱ ابن بابویه، پاداش نیکبها و کیفر گناهان، ص ۳۲۲

در تفسیر فخر رازی از بعضی به عنوان یک تفسیر نقل شده است. با توجه به قرار گرفتن زبان و دست و پا و اعضای بدن و همچنین، زمینها در زمره گواهان، روشن می شود که این گواهی از آن گواهی های قراردادی بشر که گاهی از منطقه حرف تجاوز نمی کند و هیچ گونه مطابقتی با واقع ندارد، نیست؛ این یک گواهی «عملی» و «اثری» است که دروغ را در آن راهی نیست.

منابع

*قرآن کریم

فارسی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، پاداش نیکبها و کیفر گناهان، (ترجمه ثواب الأعمال)، مترجم، مجاهدی، جواد آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، اسراء، اول، ۱۳۷۶ه.ش.
۲. دیوانی، امیر، حیات جاودانه، قم، معارف، چاپ اول، ۱۳۷۶ ه.ش.
۳. سبحانی، جعفر و محمدرضایی، محمد، اندیشه اسلامی، ج ۱، قم، معارف، ۱۳۸۵ ه.ش.
۴. سبحانی، جعفر، الالهیات، ج ۴، قم، موسسه امام صادق (ع)، چاپ ششم، ۱۳۸۴ ه.ش.
۵. سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، قم، طه، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ه.ش.
۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، شرح مصباح الشریعة، مترجم، گیلانی، عبد الرزاق، محقق، آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، تهران، پیام حق، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه.ش.
۷. طباطبایی، محمد حسین، انسان از آغاز تا انجام، ترجمه صادق لاریجانی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ه.ش.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۱۰، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ه.ش.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ ه.ش.
۱۰. کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی علمی، ۱۳۳۶ ه.ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، پنجم، ۱۳۶۳ ه.ش.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۵۵ - ۲۵۷، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام قرآن، ج ۶، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع)، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ه.ش.

۱۴. میانجی، محمد باقر ملکی، مناهج البیان فی تفسیر القرآن، وزارت ارشاد، اول، ۱۳۷۵ هـ، ش.
۱۵. مظاهری، حسین، معاد سرنوشت جاودانه انسان، چاپ اول، اصفهان، موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا، ۱۳۹۲

عربی

۱۶. بیضاوی انوار، عبدالله بن عمر، التّنزیل و اسرار التّأویل، دار احیاء التّراث العربی، بیروت، اول، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۱۷. صدوق ابو جعفر محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۱ هـ.ق.
۱۸. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۱۹. عیاشی، ابو النضر محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المکتبه العلمیه، اول، ۱۳۸۰ هـ.ق.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرّسین، پنجم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۲۱. فخر الدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التّراث العربی، بیروت، سوم، ۱۴۲۰ هـ.ق.

مقالات

۲۲. پسرکلو، مائده و محمدی مهر، علی اکبر، گواهان رستاخیز از منظر آیات قرآن کریم، اولین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی، تهران، ۱۴۰۰
۲۳. عابدینی، فاطمه، شاهدان در قیامت، فصلنامه بشارت، شماره ۴۹، ۱۳۸۴
۲۴. عظیمی، علی، شعور موجودات در قرآن و روایات (حشر و گواهی موجودات؛ حقیقت، مراتب و آثار اعتقادی آن)، نشریه دانش ها و آموزه های قرآن و حدیث « شماره ۵، ۱۳۹۸
۲۵. نورالهی سید محمد، شاکراشتیجه محمدتقی، قرآن، مساله شهادت شاهدان و هدایت برگزیدگان، پژوهش های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی) دوره ۱، شماره ۳، ۱۳۹۰